

## چند نکته در باره این رای اعتراضی

حمید موسوی پوراصل

این انتخابات نشان داد که ایرانیان امروز بیش از پیش به قدرت اتحادشان پی برده اند. دیگر "رای" برای مردم بعنوان ابزاری برای مقابله با استبداد بدل گشته است. روزی این رای سبز است و روزی بنفش. رای بی که روزی خوانده نمی شود اما دفاع از آن پرچمی می شود در خیابان، روزی حتی نیمی از آن خوانده می شود اما همین هم کافی است تا بساط برنامه ریزی شده استبداد بر هم ریخته شود.

بار دیگر بخش عظیمی از مردم ایران در یک اقدامی قاطع به کاندیدایی رای دادند که اگر چه از فیلتر شورای نگهبان گذشته بود و محرم و مورد اطمینان نظام اسلامی است، اما مواضع او دورتر از دیگر کاندیده ها به راس استبداد حاکم بود.

مردم ایران رای بی را که نمی توانند به کاندیدای دلخواه خود بدهند، به ناچار در کاسه این یا آن فردی از رژیم می ریزند که از مرکزیت استبداد به بیرون رانده شده است. این هم یک "رای اعتراضی" است و هم "انتخاب بد در برابر بدتر". انتخابی که در کوتاه مدت میتواند به جامعه و جامعه مدنی ایران توان تنفس و ادامه بقا بدهد.

انتخاب روحانی در عمل یک رای قاطع "نه" به خامنه ای و جلیلی بود. با این آراء آشکار گشت که مردم ایران با سیاست خانمان برانداز اتمی و تسلیحاتی رژیم مخالفند.

مطلب حائز اهمیت در جریان انتخابات این بود که مردم بوضوح دیدند که هواداران سید علی خامنه ای بر سر سیاست خارجی و تسلیحات هسته ای با یکدیگر اختلاف نظر جدی دارند و رهبر استبداد دیگر قادر به جمع آوری و بخط کردن مریدان خود نیست. درآمد نفتی ایران از 100 میلیارد دلار به 30 میلیارد دلار نزول کرده است و حکومتی که از یک سو غرق در فساد مالی است و از سوی دیگر تامین کننده منابع مالی نیروهای سرکوبگر داخلی و تروریستهای خارجی، نمی تواند با این اوضاع اقتصادی به مانند گذشته به بقای خود ادامه دهد. بیشک بخشی از حاکمیت، شخصی مانند روحانی را عاملی موثر در عملی کردن سیاست آشتی با غرب در نظر گرفته است.

## سیاست چپ در قبال این رای اعتراضی

چپ که مدافع منافع کارگران و تهیدستان جامعه است و از آزادی های بی قید و شرط سیاسی دفاع می کند نمی تواند شعاری جز تحریم "انتخابات غیر آزاد در ایران" را داشته باشد. اما وقتی این سیاست تحریم ثمره ای ندارد و بجای آن مردم "سیاست رای اعتراضی" را اجرا می کنند برخورد چپ با این عمل چه باید باشد؟ آیا سیاست تحریم چپ شکست خورده است و از این پس چپ بایستی سیاست مستقل خود را بکناری نهد و بدنبال تحکیم قدرت اصلاح طلبان دولتی بدود یا که بایستی "حق مردم در دادن رای اعتراضی" را رد کند و آنان را فریب خورده بنامد؟ هیچ کدام از سیاست های یاد شده که بخشا از سوی برخی نیروهای چپ اتخاذ شده و می شود سیاستی مسئولانه و دمکراتیک نیستند.

هدف چپ برقراری آزادی و عدالت اجتماعی در ایران است و از اینرو احزاب چپ نمی توانند با نیروهای ارتجاعی و ضد دمکرات اتحاد و هم پیمانی کنند از این رو سیاست احزاب چپ کماکان بایستی رد و تحریم ارتجاع از هر نوع آن باشد. ارتجاع چه از جنس اصولگرا، چه از نوع قانونگرا یا اصلاح طلب آن. با این وجود چپ نمی تواند با تاکتیک توده ای که آنها با استفاده از حق دمکراتیک مردم یعنی "حق رای" به اجراء در آمده مخالفت کند. تا زمانی که نیروهای چپ ضعیف هستند و قدرت سازماندهی اجتماعی آنان ناچیز است بروز اختلاف در تاکتیک طبیعی است اما آنچه میان چپ و اکثریت قاطع مردم مشترک است ضدیت با استبداد و تلاش برای بدست آوردن آزادی و عدالت اجتماعی است.

بایستی به روحانی گوشزد کرد که آراء و ریاست جمهوری او مدیون سرکوب و استبداد است چرا که در صورت وجود یک کاندیدای غیر حکومتی بدون شک کاندیدای غیر حکومتی برنده یک انتخاب آزاد در ایران می بود.

انتخابات به پایان رسیده است و بایستی به مردم گوشزد کرد که اگر چه با حمایت از روحانی به ولی فقیه "نه" گفتید اما نباید شیفته او شد. روحانی مدافع سیاست نئولیبرالی، سیاست خصوصی سازی، سیاست حذف یارانه ها، حامی سازمانهای تروریستی اسلامی و در یک کلام نماینده خامنه ای در شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی است. مردم از همین امروز بایستی از روحانی بگذرند و خواهان احقاق حقوق حقه صنفی و سیاسی خود شوند.